

در روزگاری که حقیقت در ازدحام تصاویر و صداهای بی هویت شده است، موسیقی دیگر آن هنر آسمانی نیست که انسان را از خاک تا افلاک برساند، بلکه به سطحی‌ترین لایه‌های زیست انسانی تقلیل یافته و در هیئت «مارمولک» خود را نمایان کرده است؛ جنبنده‌ای که خاصیتش تغییر رنگ است و در میان سنگ‌ها و شکاف‌ها می‌لغزد، ترانه تصویری «مارمولک» را نباید تنها به‌عنوان یک اثر موسیقایی دید، بلکه باید آن را به‌مثابه نشانه‌ای از یک جریان فرهنگی درک کرد؛ جریانی که مأموریتش سرگرم‌سازی بدون محتوا، افسونگری بدون حقیقت، و در نهایت، تحمیق نسل‌های آینده در جهت استحاله فرهنگی است.

پست‌مدرنیسم و تهی‌سازی هنر

پست‌مدرنیسم این اثر را اگر بیماری مزمن روح بشر معاصر ننامیم، حتماً دیگر نه به زیبایی اعتقاد دارد، نه به معنا، و نه حتی به فرم؛ بلکه تنها می‌خواهد مفاهیم را تهی کند، ارزش‌ها را بشکند و هنر را به سطحی‌ترین ابزار برای لذت‌جویی بی‌حدوحدصر تقلیل دهد. در این میان، ساسان‌ها و امثال او، تنها ابزارهایی در این پروژه بزرگ هستند؛ پروژه‌ای که هدفش زدودن مرز میان حقیقت و وهم‌واژ بین بردن هر گونه تفکر انتقادی است.

کودکان و نوجوانان: مخاطبان همیشگی این پروژه‌ها

اما چرا کودکان و نوجوانان، مخاطبان اصلی چنین آثاری هستند؟ پاسخ واضح است: ذهن‌هایی که هنوز در مراحل ابتدایی شکل‌گیری قرار دارند،

جست‌وخیز مارمولک‌های ابتذال

بررسی‌ها نشان می‌دهد که حامیان مالی

موزیک‌ویدئوهای مبتذل، ارتباط مستقیم با شبکه‌های

کلاهبرداری و حتی رژیم صهیونیستی دارند

بهترین زمینه برای آزمایش و تجربه این نوع تولیدات هستند، هر نسلی که بتوان در دوران کودکی‌اش ارزش‌ها را به سخره گرفت، مقدسات را به نازل‌ترین سطح تقلیل داد، تقدس‌زدایی و آشنایی‌زدایی از هویت فرهنگی یک ملت نمود، در بزرگسالی، هویتی سرگردان و‌ابروردیزم نتیجه‌کاشته امروز خواهد بود. نسل آلفا و بتا، که با ریتم‌های تند و تصاویر وسوسه‌انگیز بزرگ می‌شود، فردا توان درک زیبایی‌های اصیل را از دست خواهد داد و این همان چیزی است که طراحان این پروژه می‌خواهند: نسلی که دیگر نتواند میان حقیقت و ابتذال تمایز قائل شود.

مکانیسم‌های روان‌شناختی این پروژه

یکی از مهم‌ترین روش‌های تأثیرگذاری این نوع محتوا، بهره‌گیری از مکانیسم‌های روان‌شناختی همچون شرطی‌سازی تدریجی است. تصاویر پزرزق‌وبرق، ریتم‌های تکراری و استفاده از سوزه‌های بحث‌برانگیز، همگی برای ایجاد وابستگی عاطفی در مخاطب طراحی شده‌اند. این تکنیک، از همان اصولی بهره می‌گیرد که در صنعت تبلیغات و حتی در روش‌های کنترل ذهن استفاده می‌شود؛ ارائه محرک‌های جذاب، ایجاد تکرار مداوم، و در نهایت، تغییر تدریجی ارزش‌ها. زمانی که نوجوانی بارها یک پیام خاص را در موسیقی، کلیپ و شبکه‌های اجتماعی دریافت کند، به‌طور ناخودآگاه آن را می‌پذیرد و بخشی از هویت خود می‌سازد. این همان فرآیندی است که در مارمولک نیز مشاهده می‌شود؛ فرآیندی که نه‌تنها سلیقه زیبایی‌شناختی، بلکه حتی طرز تفکر و ارزش‌های فرد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

یک پدیده صوتی – تصویری در خدمت ابتذال

نکته اساسی در مارمولک آن است که اگر محتوای جنسی را از آن حذف کنیم، دیگر هیچ چیز از آن باقی نمی‌ماند. این آهنگ، مانند بسیاری از آثار پیشین خواننده، تنها بر تحریک امیال ابتدایی انسان استوار است. از «جنتمنل» تا «دکتر»، همه این تولیدات با الگوی مشخصی شکل گرفته‌اند: ترکیب ریتمی ساده و تکراری، اشارات مستقیم به روابط جنسی و استفاده از چهره‌هایی که تنها به‌خاطر جذابیت‌های ظاهری و بدن‌نمایی در فضای مجازی مطرح شده‌اند.

اگرچه اکنون تنها تیزر این آهنگ منتشر شده است اما همین تیزر که با نمایش صحنه‌هایی از یک مدرسه و حضور ساسی در میان دختران دبیرستانی، از همان ابتدا توجه‌ها را به خود جلب کرده، با مونتاژهای ناشیانه و استفاده از جلوه‌های بصری پرزرق‌وبرق همراه است و تلاش می‌کند تا فضایی جذاب و هیجان‌انگیز ایجاد کند. اما آنچه در این تیزر به چشم می‌آید، نه زیبایی‌شناسی هنری، بلکه تأکید بر بدن‌نمایی و جنسیت است. در این میان، انتخاب فرد مشهور فضای مجازی با تعداد بالای دنبال‌کننده به‌اصطلاح «اینفلوئنسر» که تنها به‌واسطه حضور پررنگش در اینستاگرام و ارتباطش با یک فوتبالیست سابق شناخته شده است – کاملاً در راستای همین فرمول است. او در نقش یک دختر مدرسه‌ای که با اشارات دست و حرکات بدن، کنایه‌هایی به مفاهیم جنسی می‌زند، به‌وضوح نشان‌دهنده رویکردی است که هنر را به ابزاری برای تحریک امیال ابتدایی تبدیل می‌کند. استفاده از چنین عباراتی در فضایی شبیه‌سازی‌شده از مدرسه، نشان‌دهنده

تلاشی آگاهانه برای ایجاد تنش و جلب توجه از طریق ابتذال است.

بازی با نوستالژی: دام جدید برای نسل‌های

پیشین

یکی دیگر از ترفندهای مارمولک، استفاده از آلمان‌های نوستالژیک بچه‌های دهه ۶۰ است. این همان تکنیکی است که در بسیاری از محصولات فرهنگی غرب نیز دیده می‌شود؛ بازسازی خاطرات گذشته برای جذب نسلی که امروز در میان میناسالی و جوانی سرگردان است و یا در قسمت‌هایی که نشان از دادگاه خواننده اثر است، استفاده از صحنه‌هایی از فیلم‌های معروف (مارمولک)، سریال‌های آشنا (گل یا پوچ) و یا ویدئوهای وایرال‌شده، سعی دارد تا با بازیگوشی و طنز و صداالبته استفاده از تکیه‌کلام‌ها و زبان مخفی که برای مخاطب این روزهای شبکه‌های اجتماعی پرتکرار و به تعبیر غربی وایرال شده است، مخاطب را به خود جذب کند. اما این ارجاعات، که به‌ظاهر برای ایجاد طنز طراحی شده‌اند، در نهایت به خدمت ابتذال درآمده‌اند. مخاطبان دهه ۶۰، که کودکی‌شان را با فیلم‌ها و برنامه‌های موفق و خاصی گذرانده‌اند، وقتی تکه‌هایی از آن خاطرات را در اثری ببینند، ناخودآگاه جذب آن می‌شوند. اما این نوستالژی، نه برای زنده‌کردن خاطراتی زیبا، بلکه برای کشاندن این نسل به همان بازی سطحی و بی‌محتوا به‌کار گرفته شده است. چنین انتخابی، نه به‌دلیل هنر، بلکه به‌دلیل ظرفیت تبلیغاتی و تحریک‌گری او انجام شده است. وقتی هنر، در خدمت بازاریابی جنسیت قرار می‌گیرد، دیگر هیچ رسالتی برای آن باقی نمی‌ماند.

نقش رسانه‌ها و پلتفرم‌های دیجیتال در انتشار این نوع محتوا

در این میان، رسانه‌ها و پلتفرم‌های دیجیتال، نقش کاتالیزوری را بازی می‌کنند که این ویروس را در سراسر جامعه

گسترش می‌دهد. پیش از آن‌که موسیقی ویدئوی کامل منتشر شود، با تیزرهای کوتاه، کنجکاوی مخاطب را تحریک می‌کنند. این همان تکنیکی است که در تبلیغات تجاری به‌کار می‌رود؛ ساختن عطشی کاذب، ایجاد نیاز به محصولی که ارزش ذاتی ندارد، و در نهایت، عرضه آن به‌عنوان پاسخی به این نیاز. و چه موقعیتی بهتر از شب‌های عید و ماه رمضان برای اوج این نمایش؟ در لحظاتی که جامعه درگیر آیین‌های معنوی و اجتماعی است، ناگهان این محصولات، همچون مارمولک‌هایی که از شکاف‌ها بیرون می‌جهند، به سطح می‌آیند و ساحت ذهن‌ها را آلوده کنند.

پشت‌پرده مالی و حامیان پنهان

هنر، در جایی که در خدمت منافع تجاری قرار می‌گیرد و به‌جای آن‌که پیام‌های فرهنگی عمیق و حقیقت‌جو را انتقال دهد، به ابزاری برای تحریک و ابتذال تبدیل می‌شود، دیگر جایی برای درک زیبایی‌های حقیقی و عمیق انسان ندارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که حامیان مالی این قبیل موزیک ویدئوها، ارتباط مستقیم با شبکه‌های کلاهبرداری و حتی رژیم صهیونیستی دارند. یک روز این شبکه از تئلوها استفاده می‌برد و روز دیگر از ساسی‌ها. تا جایی که تاریخ انقضای آنان نیز سررسد، یکی از حامیان اصلی این اثر، یک کلاهبردار با سابقه است که پس از ارتکاب جرایم اقتصادی، از کشور متواری شده و اکنون تحت پیگرد پلیس اینترپل است. او با استفاده از تبلیغات گسترده و وعده‌های دروغین، سرمایه‌گذاران را فریب داده و اموال آنها را به یغما برده است و دیگری با حمایت از خوانندگان مبتذل و تولید محتواهای ضدایرانی، نقش مهمی در ترویج ابتذال و توهین به ارزش‌های فرهنگی و مذهبی جامعه ایران ایفا می‌کند.

نقش و وظیفه والدین در مقابله با ابتذال فرهنگی

چند روز پس از انتشار تیزر این موزیک‌ویدئو و حتی قبل از انتشار کامل آن، شاهد هستیم که کودکانی در سنین ۱۰ تا ۱۲ سال، بدون درک کامل شوخی‌های جنسی و مفاهیم مبهم آن، به تکرار این ترانه و تقلید حرکات آن می‌پردازند. متأسفانه، والدین نیز با افتخار این ویدئوها را در فضای مجازی منتشر می‌کنند. این اتفاق، صرف‌نظر از این‌که برخی از این کودکان هنوز به‌طور کامل معنای محتوای سخیف این اثر را درک نمی‌کنند، خود یک زنگ خطر است که به‌طور غیرمستقیم به کودکان و نوجوانان اجازه می‌دهد با چنین محتوای سطحی و تهی، به

جام جم

فرهنگ

CULTURE

یکشنبه ۲۶ اسفند ۱۴۰۲ شماره ۷۰۰۷

نوعی آشنا شوند و حتی با آن هذات‌پنداری کنند. این درحالی‌است که والدین، به‌ویژه در سنین حساس رشد، باید در برابر چنین آثاری واکنش نشان دهند و با آگاهی بخشی، فرزندان خود را از این هجوم فرهنگی که در آن مفاهیم اخلاقی و انسانی زیر سؤال رفته است، محافظت کنند. نباید باخنده و تصور طنز بودن این ریتم خزنده، فضایی را برای انتشار هر چه بیشتر و تأثیرگذاری عمیق‌تر آن فراهم کنند. در این فضا، خطر آنجاست که حتی بدون فهم کامل مفاهیم جنسی و اغواگرانه، این کودکان از همین سنین ابتدایی با این نوع محتوا همگام می‌شوند و حتی از آن تقلید می‌کنند. این امر نه‌تنها به‌طور ناخودآگاه سلیقه فرهنگی و زیبایی‌شناختی آنان را تغییر می‌دهد، بلکه به آنها الگویی از روابط انسانی و اجتماعی می‌دهد که عاری از احترام و تعهد است. این همان مسیری است که نه‌تنها هویت فرهنگی یک نسل را در معرض تهدید قرار می‌دهد، بلکه شکل‌دهی به تفکری سطحی و بی‌مایه را در ذهن آنان میسر می‌سازد.

راه نجات: بازگشت به هنر اصیل

اما آیا ما فقط باید نگران باشیم؟ خیر، نقد چنین پدیده‌هایی، صرفاً برای اعتراض و گلایه نیست، بلکه برای بازشناختن راهی است که از آن غافل شده‌ایم. اگر ابتذال، در جاهایی موفق بوده، به این دلیل است که ما در ارائه زیبایی‌های حقیقی، ناتوان بوده‌ایم. هنر، همواره در تاریخ بشر نقشی قدسی داشته است، اما در دوران معاصر، به دست تاجران ابتذال افتاده که آن را صرفاً به کالایی برای مصرف تبدیل کرده‌اند. راه حل، نه در فریاد زدن و تحریم‌کردن، بلکه در خلق آثاری است که حقیقت را در زیباترین قالب عرضه کنند. باید بپذیریم که جنگ فرهنگی، در میدان هنر رقم می‌خورد. و تازمانی که ما تنها نظاره‌گر باشیم، مارمولک‌ها همچنان خواهند لغزید و رنگ عوض خواهند کرد. این میدان، نیاز به مجاهدان فرهنگ و تربیت دارد، آنان که به‌جای گلایه از زشتی‌ها، زیبایی‌های نوین می‌آفرینند؛ آنان که به‌جای تخریب، بنا می‌کنند. هنر حقیقی، همچنان زنده است، اما برای زنده ماندن، نیاز به پاسداران خود دارد.

میراث فرهنگی

افتتاح نخستین موزه

منبت چوب ایران

با حضور متوجه‌ر حبیبی استاندار کرمانشاه، مدیرکل میراث فرهنگی استان، شهردار کرمانشاه و جمعی از مسئولان، نخستین موزه منبت چوب ایران در محل تکیه بیگلربیگی افتتاح شد. داربوش فرمانی، مدیرکل



میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کرمانشاه در حاشیه افتتاح این موزه با بیان این‌که مجوزهای راه‌اندازی موزه چوب کرمانشاه سال ۱۴۰۰ از وزارت میراث فرهنگی دریافت شد، گفت: با رایزنی‌های انجام شده با مسئولان میراث فرهنگی استان مقرر شد فضایی به مساحت ۲۰۰ متر مربع در تکیه بیگلربیگی برای موزه چوب کرمانشاه اختصاص یابد که خوشبختانه افتتاح شد. مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کرمانشاه با بیان این‌که این نخستین موزه منبت چوب ایران است، اضافه کرد: در این موزه ۲۰۰ قطعه چوب در حوزه منبت و پیکرتراشی به نمایش درآمده است. با توجه به اهمیت بنای تکیه بیگلربیگی به عنوان یکی از بناهای تاریخی کرمانشاه که هرساله گردشگران زیادی از آن بازدید می‌کنند، موزه منبت چوب را در این محل راه‌اندازی کردیم.

نوا

انتشار موسیقی

نوروزی «با هم بهاریم»

«با هم بهاریم» یک موسیقی بی‌کلام از آیدین نورمحمدی است که هم‌زمان با انتشار به مردمان کره زمین که منتظر شکوفه‌های بهاری و رسیدن این فصل شکوفایی هستند، تقدیم کرد. با هم بهاریم با فضایی به‌روز و ریتمیک به‌گونه سؤال و جوابی بین‌گیتار و کمانچه ساخته و تنظیم شده است و حال و هوایی بهاری و عاشقانه دارد. نورمحمدی، آهنگسازی و نوازندگی کمانچه را بر عهده داشته است و فرداد سلطانی نیز در جایگاه نوازنده گیتار در این قطعه تلفیقی حضور دارد. نورمحمدی، در نوازندگی شیوه کلاسیک ویلن نوازی را پیش گرفته و در این مسیر از تعالیم استادانی چون زاوَن یدیقار یانس و سیلوش ظهیرالدینی بهره جسته است. از دیگر استادان وی در زمینه نوازندگی می‌توان از محمدرضا لطفی، آندره مرادیان و محسن الهامیان در نوازندگی پیانو و مبانی موسیقی و آهنگسازی و بهمن رجبی در یادگیری وزن خوانی و ریتم نام برد.



صحنه

«ماشین نمایش» افتتاح شد

برای اولین بار در ایران، ماشین نمایش (وندینگ ماشین) افتتاح شد. ماشین نمایش، پدیده‌ای نو در عرصه تئاتر ایران است و این ماشین امکان انتخاب و تماشای نمایشنامه‌های کلاسیک و مدرن مشهور جهان را به صورت فردی فراهم می‌کند.

مخاطبان می‌توانند با انتخاب یکی از ۲۰ نمایشنامه منتخب از آثار کلاسیک تا مدرن همچون مکبث، در انتظار گودو، کالیگولا، اتللو و... زمان اجرای آن را نیز تعیین کنند. زمان‌های قابل انتخاب شامل ۳۰، ۳۰، ۶۰، ۹۰، ۱۲۰، ۱۵۰ دقیقه است. با قار دادن هدفون بر روی گوش، پرده ماشین نمایش کنار می‌رود و بازیگر اجرای اختصاصی خود را آغاز می‌کند. خرید بلیت برای نمایش وندینگ ماشین به این صورت انجام می‌شود که تماشاگر در زمان معین بلیت خود را دریافت می‌کند. پس از خرید بلیت، او فقط یک ساعت فرصت دارد تا نمایش خود را تماشا کند. به عنوان مثال، اگر بلیت برای ساعت ۱۹ صادر شده باشد، تماشاگر می‌تواند از ساعت ۱۹ تا ۲۰ نمایش را ببیند.



رویداد

بلیت نیم‌بای اماکن فرهنگی –

تاریخی برای فرهنگیان

قائم‌مقام وزیر و معاون میراث فرهنگی کشور گفت: نوروز امسال، کارکنان و بازنشستگان وزارت آموزش و پرورش به صورت نیم‌بای از اماکن فرهنگی تاریخی بازدید می‌کنند. علی دارابی، قائم‌مقام وزیر و معاون میراث فرهنگی کشور با



تأکید بر این‌که در نوروز ۱۴۰۴ بلیت موزه‌ها، پایگاه‌های میراثی و اماکن فرهنگی – تاریخی تحت پوشش وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، افزایش قیمت ندارند، گفت: با دستور مقام عالی وزارت به منظور قدردانی از تلاش‌های ارزشمند فرهنگیان وزارت آموزش و پرورش، بازدید این عزیزان با ارائه کارت شناسایی معتبر به صورت بلیت نیم‌بها لحاظ خواهد شد. او افزود: این تخفیف ویژه تا ۱۵ فروردین برای کارکنان و بازنشستگان وزارت آموزش و پرورش در همه موزه‌ها، پایگاه‌های میراث فرهنگی و محوطه‌های تاریخی لحاظ خواهد شد. به گفته دارابی؛ ساعت کاری مجموعه‌های فرهنگی – تاریخی ۳۰ اسفند از ۹ تا ۱۷ است اما از اول فرودین تا نیمه آن از ۱۸ تا ۹ خواهد بود. بازدیدکنندگان از ساعت دقیق فعالیت هر مجموعه اطمینان حاصل کنند.